

گفت‌وگوی «ایران»  
بارئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران:

# کلید انداختن در قفل اصلاح ساختار اقتصاد



گفت‌وگو

◀ **مرجان اسلامی فر /** تجربه نشان می‌دهد کشورهایی که با بحران اقتصادی روبه‌رو شدند با تغییراتی در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری، فرصتی را فراهم کردند تا بحران به جهش اقتصادی تبدیل شود. ایران نیز با وجود تحریم و مشکلات ریزو درشتی که با آن روبه‌رو است، می‌تواند از روزهای سخت و نگرانی‌هایی که وجود دارد، عبور کند. در این میان برخی کارشناسان پرونده دولت دوازدهم را بسته‌اند و می‌گویند دیگر فرصتی برای تغییر وجود ندارد، اما فعالان اقتصادی چنین موضوعی را باور ندارند. رئیس اتاق بازرگانی تهران هم بر این باور است که بی‌تردید دولت دوازدهم برای اصلاح ساختار اقتصادی، فرصت دارد و نباید این روزها را از دست بدهد؛ اگر قرار بر اختراع مجدد چرخ باشد، احتمالاً زمان زیادی لازم است اما نظریه‌های علمی و تجربه عملی در دنیا موجود است که می‌توان با استناد به آنها برای نظام اقتصادی کشور تصمیم‌گیری کرد. درباره باید‌ها و نباید‌هایی که دولت دوازدهم در یک سال باقیمانده از فعالیت خود باید مدنظر قرار دهد، با مسعود خوانساری، رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران گفت‌وگویی انجام دادیم که در ادامه می‌آید:

■ **تابستان سال ۱۴۰۰ در چنین روزهایی، دولت باید سکان اداره امور اجرایی کشور را به دولت بعدی بسپارد. با توجه به شرایط اقتصادی و مشکلات موجود، آیا فکر می‌کنید می‌توان در فرصت باقیمانده، اقدامی در راستای بهبود شرایط اقتصادی کشور انجام داد؟**

قاعدتاً مجموعه اقدامات زیادی در فاصله باقیمانده تا پایان خدمت دولت کنونی، در حوزه اقتصاد قابل انجام است که می‌تواند به بهبود فضای کسب و کار کشور منجر شود. این اقدامات بیش از اینکه ناظر بر برنامه‌ریزی و اجرای اقدامات جدید باشد، معطوف به دست برداشتن از اقداماتی است که انجام آن توسط مجموعه دولت، موجب اخلال در نظم اقتصاد و ایجاد رانت و امتیاز برای گروه‌هایی خاص است. البته باید پذیرفت با وجود مقاومت بسیار بالای گروه‌های ذینفع، خروج دولت از این فعالیت‌ها به سادگی امکان‌پذیر نیست، با این حال گام‌های اولیه و ضروری برای حرکت به سمت بهبود بخشیدن اقتصاد کشور و معیشت خانوار است.

مثلاً به طور مشخص دست برداشتن از ایجاد اخلال در سازوکار قیمت‌هایی که از اقداماتی است که دولت می‌تواند انجام دهد تا با سیگنال دهی درست قیمت، بازار به سمت تعادل عرضه و تقاضا حرکت کند. مداخلات قیمتی دولت عرضه را دچار اشکال می‌کند چون با سرکوب قیمت، تولید را از صرفه اقتصادی برای تولیدکننده بخش خصوصی

تصمیم درست اقتصادی می‌تواند به سرعت باعث ایجاد تغییرات زیادی شود؛ همان‌طور که سیاست‌های نادرست اقتصادی هم این اثر را می‌گذارد و مصداق آن را به وفور به چشم دیده‌ایم. بی‌ثباتی و نوسان زیاد برای هیچ اقتصادی یک مزیت به شمار نمی‌رود، ولی در شرایط شبه‌بحران، ناگزیر این وضعیت شکل می‌گیرد و باید بتوان با برخی اقدامات منطقی و عقلانی و استفاده از فرصت ایجاد شده، از این شرایط خارج شد و به فکر ثبات بخشی به اقتصاد بود. در حال حاضر با توجه به حساسیت بالای جامعه نسبت به سیاست‌های اقتصادی، هر تصمیمی می‌تواند یک موج در اقتصاد ایران ایجاد کند. این وضعیت همان اندازه که خطرناک است می‌تواند فرصتی برای کلید زدن اصلاحات ساختاری باشد.

■ **این اصلاحات در کدام زمینه‌ها باید صورت بگیرد؟**

به طور مشخص اشاره کردم که دولت باید دست از قیمت‌گذاری و حمایت‌های قیمتی بردارد، اگر ترس از آزادسازی وجود دارد و قرار بر حمایت از اقشار آسیب‌پذیر است، این حمایت باید پایداری داشته باشد و مستقیم و هدفمند صورت گیرد. در عین حال محدودیت‌های وضع شده بر تجارت نیز برداشته شود و درآمد ستور العمل‌هایی مبنی بر محدودیت و ممنوعیت در واردات و صادرات کالا و خدمات صادر نشود. بارها عنوان کرده‌ایم که ام‌المصائب اقتصاد ایران کسری بوده است، پس اقدام برای اصلاح نظام بودجه‌ریزی و همچنین اصلاح نظام بانکی به دلیل نقشی که در بروز تورم و نابسامانی اقتصاد کلان دارد، ضروری است. این قبیل اقدامات با در نظر گرفتن اینکه اقتصاد باید الزاماً خارج از سایه سیاست باشد، می‌تواند یک حرکت ماندگار و اثرگذار را آغاز کند. گرچه به نظر نمی‌رسد اساساً دولت هاد کشور ماتمایل چندانی به این امر داشته باشند. ■ **فکر نمی‌کنید این اقدامات بسیار زامبیر و ماندنیک جراحی عمیق برای اقتصاد است که شاید نتوان در یک سال باقیمانده به آن جامه عمل پوشاند؟**

اگر قرار بر اختراع مجدد چرخ باشد، احتمالاً زمان زیادی لازم داریم اما تمام مواردی که ذکر شد، نظریه‌های علمی و تجربه عملی آن در دنیا موجود است. نظام بانکی با بالاترین استاندارد در حال کار است و نظام بودجه‌ریزی اصول خود را تثبیت کرده است. حتی در کشورهای نفتی هم بودجه از وابستگی به نفت در حال خارج شدن است و بخش عمده درآمدهای نفتی برای سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت سودآور در خارج از مرزها هزینه می‌شود. تجربه ترکیه پیش روی ماست که در اوایل دهه اول قرن ۲۱ به لبه پرتگاه و در حال فروپاشی بود، اقتصاد ترکیه با کاهش شدید ارزش پول ملی و بی‌ثباتی بسیار بالا مواجه بود، در حدی که اجاره خانه‌ها و کرایه تاکسی‌ها هم با تغییر قیمت ارز تعیین می‌شد. اما با چند انتخاب درست، مانند سپردن سکان هدایت اقتصاد به یک اقتصاددان مجرب (کمال درویش) و دادن اختیار تام به تیم اقتصادی و خارج کردن اقتصاد از سایه سلاقی سیاسی، چندین و چند برنامه اصلاحی در ساختار اقتصادی ترکیه در پیش گرفته شد و کمتر از یک سال تغییرات قابل توجهی در این کشور صورت گرفت. به طوری که نه تنها از لبه پرتگاهی که در آن قرار گرفته بود، دور شد که دوران شکوفایی اقتصاد ترکیه هم با آن زیرساخت‌های ناشی از اصلاح ساختار پدیدار شد. مرور این تجربه‌ها و درس گرفتن از اینکه دولت چه نباید بکند، خودش به مثابه کلید انداختن در قفل اصلاح ساختار در اقتصاد ایران است که دهه‌هاست مانع از توسعه و درگیری اقتصاد با کم‌رشدی و تورم دورقمی مزمن شده است.

خارج می‌کند و همچنین با ایجاد تقاضای کاذب و القایی برای کالایی که با قیمت سرکوب شده عرضه می‌شود، موجب افزایش مصرف، افزایش قیمت، شکل‌گیری بازار سیاه، تقلب، کم‌فروشی و مفاسد متعدد می‌شود. از چشیدن نتایج تلخ پنج دهه قیمت‌گذاری کالا از کالاهای مصرفی مردم گرفته تا خوراک دام، تجربه‌ای غنی برای خروج از این دایره بسته فسادآمیز است. از سوی دیگر عقب کشیدن دولت از صدور دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌های متعدد دفعتی می‌تواند تا حدود زیادی به خارج شدن فعالان اقتصادی از سردرگمی و تصویر کردن چشم‌انداز لاقط کوتاه مدت کمک کند.

■ **آیا این اقدامات عنوان شده می‌تواند در یک سال اثری ملموس بر اقتصاد بگذارد که دولت برای انجام آن انگیزه داشته باشد؟**

اقتصاد ما نوسان زیادی دارد و بی‌ثباتی ذاتی آن باعث شده است که متغیرهای اقتصاد کلان در آن در کوتاه مدت تغییرات زیادی به خود ببیند. یک سال نرخ تورم تک‌رقمی است و بلافاصله در سال بعد نرخ تورم دورقمی و بالاتر از ۲۰ درصد به ثبت می‌رسد، یک سال نرخ رشد اقتصادی منفی است و ناگهان سال بعد نرخ رشد مثبت نزدیک دو رقمی داریم. یعنی برخی اقدامات در بزنگاه‌های خاص می‌تواند تغییرات قابل توجهی در روند اقتصاد کشور ایجاد کند، مثل نتیجه یک انتخابات ملی؛ یک توافق یا یک